

داستان کاسه صبر مهندس

ظرفیت تحمل

امیر فیض- حقوقدان

ظرفیت تحمل انسانها یکی از علانم و اسباب نموداری شخصیت است. گفته شده که نوزادان بهنگام تولد فاقد ظرفیت تحمل هستند و به همین دلیل باگریه که علامت بی تحملی است به دنیا وارد میشوند.

ظرفیت تحمل، همان تمثیل کاسه صبر است که وقتی ظرفیت برای تحمل کم بود به لبریزی تعبیر میشود.

ظرفیت تحمل را دوگونه گفته اند یکی ظرفیت تحمل درمقابل مصائب که نه حد و فصل آن مشخص و نه قابل پیش بینی است و غالباً تحمل آن از ظرفیت انسان ها خارج است.

دیگری عدم تحمل حرف دیگران، اگر با تمجید و تجلیل از شنونده همراه نباشد، عامل این کمبود زیادتی حسن غرور و خود خواهی است که بر بارزه تحمل اشراف دارد.

موقعیکه نامه آقای مهندس روحانی را خواندم که نوشته بود «کاسه صبرم از نوشته امیر فیض لبریز شده» یاد اظهارات خمینی افتادم که در سال ۶۰ در تهدید مردم گفت: «همه بدانند که آن روزی که من احساس خطر بکنم آن روز اینطوری نیست که نصیحت بکنم دست همه راقطع خواهم کرد» و روزنامه ها بر اظهارات خمینی تیتز زدند «کاسه صبر امام لبریز شده».

واما بعد

در طول سی و چند سالی که افتخار حضور در مبارزه سیاسی علیه جمهوری اسلامی و حقانیت سلطنت و تداوم اجرایی قانون اساسی مشروطیت را دارم، بارها در سنگراین جمله به تکرار آمده.

>مرا یک کارگر سیاسی بدانید که آنچه ایرانیان میخواهند بگویند و فرصت آنرا ندارند این کارگر مینویسد و به اطراف میپراکند.<

در تمام این سی و چند سال تنها سه نوبت کسانی یا مشوق بوده اند و یا خودشان پیشقدم درنخواندن سنگر شده اند.

اولین مورد آقای داریوش همایون بود که در سمیناری شادروان گل سرخی درمقابل جمعی از ایرانیان خطاب به داریوش همایون میگوید: «آیا شما سنگرها را میخوانید» داریوش همایون با صدای مخصوص و خشونت تمام میگوید نه هرگز و هرگز هم نخواهم خواند.

مورد دوم در اجلاس روزنامه نگاران ایرانی در حضور اعلیحضرت بود که آقای محمد حقوقی روزنامه نگار در مقابل فرمایشات اعلیحضرت میگوید: «نشریه سنگر چیز دیگری میگوید» اعلیحضرت میفرماید «نخرید» آقای حقوقی میگوید: «برایگان میفرستند» اعلیحضرت هدایت میفرماید که نخوانید.^۱

مورد سوم که ظهورش هم امروز و مفاسدش فردا هست لبریز شدن صبر آقای مهندس روحانی است که کتبا از جاوید ایران خواسته که دیگر تحریرات امیرفیض برایشان ارسال نشود.

یعنی حد لبریزی صبرشان از تحمل، در حدی است که فراموش کرده اند، هیچ الزامی برای هیچکس در خواندن همه چیز نیست هر کس به فراخور بضاعت علمی و یا شوق به موضوعات خاص آنرا میخواند.

در این اصل معمول کسی که به مسائل میهنش اهمیت میدهد بطور طبیعی هر نوشته ای که بونی از میهنش داشته باشد با ولع و دقت تمام میخواند و انرا به دیگران هم منتقل میکند و کسیکه علاقه ای به مسائل میهنش ندارد بالطبع آنرا نمیخواند و اگر هم احتمالاً بخواند چیزی درک نمیکند.

میهن پرستان تکلیف مبارزاتی دارند که بهر طریق که ممکنشان هست ایرانیان را در جریان مسائل سیاسی مربوط به کشورشان قرار دهند؛ نمیشود آنرا منع کرد که از این کار خودداری کنند منع چنین کاری معمول جمهوری اسلامی است.

در این جریان آنانی که به میهنشان فکرمیکنند و حضور فکری در مبارزه دارند از اقدام هم میهنشان تشکر و تداوم آنرا خواستارند و آنها که به مسائل مبارزه و میهنشان علاقه ای ندارند و پس از ۲ سال هنوز از ماده ۱۱ قطعنامه تجزیه ایران آگاه نیستند و اگر هم ناچار شوند چیزی بنویسند با ناز و شرط شروط جلو میآیند، حق دارند که تحریرات را نخوانند چنانکه تحریرات راجع به محکوم کردن ماده ۱۱ را نخوانده اند ولی این افراد نمیتوانند ایجاد تکلیف کنند برای میهن پرستانی که مسائل ایران را برای بسیاری میفرستند برای آنان نفرستند.

^۱ - کمال دموکراسی و آموزش به احسن است... همه جا شنیده و گفته می شود هر نوشته ای و گفته ای قابل شنیدن و خواندن است... نوع دموکراسی مدرن تشویق به «نخرید» و «نخوانید» است. البته هر روز روز یاد گیری است... ح-ک